

Quarterly Journal of Village and Space Sustainable Development

Spring 2023, Vol.4, No.1, Serial Number 13, pp 117-138



10.22077/vssd.2022.5548.1126



Choosing a Theoretical Framework According to the Prerequisites for Sustainable Rural Development

Walimohammad Fayez¹, Seyyed Mohammad Bagher Najafi^{2*}, Jamal Fathollahi³,
Mohammadsharif Karimi³

1. PhD student, Department of Economics, Faculty of Economics and Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran.
2. Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran.

*Corresponding author, Email: najafismb@gmail.com

Keywords:

Theoretical Framework,
Sustainable Rural Development,
Institution

Abstract

One of the most important stages of an academic research is choosing a certain suitable theoretical framework. Therefore, this research aimed to find a theoretical framework according to the prerequisites for sustainable rural development. A theoretical framework is a perspective and a school of thought based on which a research is organized. There are different theoretical frameworks and schools in economic knowledge, which can explain issues differently. Therefore, an appropriate theoretical framework should be chosen to identify a specific subject and analyze its related issues. Accordingly, to analyze and identify the issues related to sustainable rural development, it is necessary to use an appropriate theoretical framework that can provide a more realistic explanation. Thus, the data were analyzed using a descriptive-analytical method, and the most important prerequisites for sustainable rural development were identified by referring to the literature. According to the results, education, human development, institutional regime, social development, improvement of productivity, environment, equality, improvement of infrastructure, promotion of non-agricultural employment, and technology were recognized as the most important prerequisites for sustainable rural development, most of which having an institutional nature. Therefore, the best theoretical framework that can explain and analyze the issues related to sustainable rural development and provide more realistic explanation is "institutional economics".

Received:

13/Aug/2022

Revised:

26/Oct/2022

Accepted:

08/Nov/2022

How to cite this article:

Fayez W., BagherNajafi M., Fathollahi J., Karimi M. (2023). Choosing a Theoretical Framework According to the Prerequisites for Sustainable Rural Development. *Village and Space Sustainable Development*, 4(1), 117- 138. 10.22077/vssd.2022.5548.1126



Copyright: © 2022 by the authors. Licensee Quarterly Journal of Village and Space Sustainable Development. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



فصلنامه روستا و توسعه پایدار فضا

دوره چهارم، شماره یکم، پیاپی ۱۳، بهار ۱۴۰۲، صفحات ۱۱۷-۱۳۸

doi
10.22077/vssd.2022.5548.1126

انتخاب چارچوب نظری متناسب با شناسایی پیش نیازهای توسعه پایدار روستایی

ولی محمد فائز^۱، سید محمد باقر نجفی^{۲*}، جمال فتح الهی^۳، محمد شریف کریمی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۲. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۳. استادیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

*نویسنده مسئول: najafismb@gmail.com

چکیده:

یکی از مهم‌ترین مراحل یک پژوهش علمی انتخاب چارچوب نظری مناسب و معین است. هدف این پژوهش نیل به چارچوب نظری متناسب با پیش نیازهای توسعه پایدار روستایی است. چارچوب نظری نوع نگاه و مکتب علمی است که یک پژوهش بر اساس آن سامان دهی می‌شود. در دانش اقتصاد چارچوب‌های نظری و مکتب‌های علمی گوناگونی وجود دارند که قدرت تبیین آن‌ها برای موضوعات مختلف، متفاوت است در نتیجه برای شناسایی یک موضوع خاص و تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به آن، انتخاب چارچوب نظری متناسب با آن ضروری است. بنابراین برای تحلیل و شناسایی مسائل مرتبط با توسعه پایدار روستایی، نیز استفاده از چارچوب نظری متناسبی که بتواند تبیین واقع‌گرایانه‌تری را انجام دهد، ضرورت دارد. تجزیه و تحلیل اطلاعات با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. با رجوع به ادبیات نظری مهم‌ترین پیش نیازهای اساسی توسعه پایدار روستایی شناسایی گردید. آموزش، توسعه انسانی، رژیم نهادی، توسعه اجتماعی، بهبود بهره‌وری، محیط زیست، برابری و مساوات، بهبود زیرساخت‌ها، ترویج اشتغال غیرکشاورزی و فناوری از مهم‌ترین پیش نیازهای توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شوند. ماهیت اغلب این عوامل نهادی می‌باشد. بنابراین بهترین چارچوب نظری مناسب که قدرت تبیین و تحلیل مسائل مربوط به توسعه پایدار روستایی و ارائه تبیین‌های واقع‌گرایانه‌تری را داشته باشد، چارچوب نظری اقتصاد نهادی می‌باشد.

واژگان کلیدی:

چارچوب نظری، توسعه پایدار روستایی، نهاد.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۵/۲۲

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۱/۰۸/۰۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۸/۱۷

۱- مقدمه

توسعه روستایی یک موضوع مهم و اساسی برای دستیابی به توسعه پایدار در توازن با جامعه شهری در بسیاری از کشورهای توسعه یافته می‌باشد (Sakurai, 2006: 105). همچنین به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار و پیش‌نیاز آن محسوب می‌شود که دستیابی به آن در گرو بهره‌مندی از ظرفیت‌ها، امکانات و توان بالقوه و بالفعل روستائیان به منظور بهبود وضعیت رفاهی - معیشتی آن‌ها در راستای نیل به اهداف کلان توسعه می‌باشد. در واقع توسعه پایدار زمانی به وقوع می‌پیوندد که در کنار رشد اقتصادی، بهره‌وری و اشتغال (معقولیت اقتصادی)، رفع نیازهای اولیه جامعه روستایی، خود اتکایی، مشارکت و برابری (مطلوبیت اجتماعی)، ظرفیت‌های اکولوژیکی، تنوع زیستی و منابع طبیعی حفظ شود. توسعه روستایی عبارت است از فرایند توانمندسازی و تقویت قابلیت زندگی از نظر کیفیت زندگی، کیفیت محیط و کارایی اقتصادی و بهبود کیفیت محیط بیوفیزیکی در نواحی روستایی که دارای ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره است (Holand, 2003:7). افزایش تولید و بهره‌وری، برابری در دسترسی به فرصت‌های کسب درآمد، دسترسی به خدمات عمومی و دسترسی به نهاده‌های تولیدی، اشتغال سودمند، اعتماد به نفس، مشارکت مردم در فرایند توسعه و توازن بوم شناختی، هدف‌های به یکدیگر وابسته‌ای هستند که برداشت یکپارچه از توسعه روستایی را مطرح می‌نماید (یادآو، ۱۳۶۵ به نقل از ازکیا، ۱۳۶۸: ۳۷). اهمیت توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه سبب شده تا بسیاری از صاحب‌نظران آن را به عنوان موتور محرک توسعه و مقدم بر توسعه شهری دانسته و دستیابی به توسعه ملی را در گرو تحقق توسعه روستایی بدانند (تودارو، ۱۳۹۱: ۱۳۵). در واقع، یکی از مهم‌ترین مشکلات کشورهای در حال توسعه، مسائل و چالش‌های توسعه روستایی است، زیرا راهبردها و اهداف گذشته در زمینه توسعه روستایی موفقیت‌آمیز نبوده و نتوانسته است تا مسائل اصلی روستاها در حوزه تعادل بین معیشت پایدار و بهبود زندگی روستائیان و مسأله نوسازی روستاها را تأمین کند (Dragulanescu and Drutu, 2012: 196). از این‌رو، نقش و جایگاه روستاها در فرایندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس منطقه‌ای، ملی، بین‌المللی و پیامدهای توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت، حاشیه‌نشینی شهری و غیره موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری گردیده است. توسعه روستایی به‌منظور بهبود زیرساخت‌های فیزیکی و فرهنگی جامعه می‌باشد؛ زیرا توجه صرف به امور همچون اشتغال و کارآفرینی، بدون ایجاد فضایی مستعد، اجرای استراتژی‌های توسعه را ناموفق می‌سازد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳). توسعه روستاها به عنوان بستر مهم توسعه ملی کشور از اهمیت بسزایی برخوردار است. دستیابی به توسعه روستایی در گرو تحول در ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و نهادی می‌باشد. این پژوهش درصدد است به بررسی و انتخاب چارچوب نظری متناسب با تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به توسعه پایدار روستایی بپردازد. در این راستا، با این پرسش مواجه می‌شویم که مهم‌ترین پیش‌نیازهای اساسی تحقق توسعه پایدار روستایی کدامند؟ با توجه به ماهیت این عوامل، کدام چارچوب نظری قدرت تبیین بیشتری متناسب با این عوامل را داراست؟

انتخاب یک چارچوب نظری برای مسأله‌ی تحقیق، انتخاب نگرشی برای بررسی موضوع تحقیق می‌باشد. طی موفقیت‌آمیز مسیر توسعه، نیازمند بهره‌مندی از دیدگاه نظری و طرح نظریه‌های متناسب با شرایط جامعه است. بر اساس نظریات متناسب می‌توان اقدامات عملی را طرح‌ریزی نمود و با مدیریتی کارآمد، برنامه‌های توسعه را هماهنگ در راستای تحقق اهداف مورد نظر اجرایی نمود. اقتصاد نهادی به‌عنوان یک چارچوب نظری متناسب برای تجزیه و تحلیل مسائل کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود؛ زیرا به دلیل پرهیز از گزاره‌های جهان‌شمول و تأکید بر تقدم مشاهده بر نظریه‌پردازی، از

قدرت تبیین بیشتری برخوردار است و بهتر می‌تواند به تبیین مسائل کشورهای در حال توسعه با وجود اختلاف‌های فراوان در نهادها، سازمان‌ها و سطح فناوری، کمک کند. این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب نظری اقتصاد نهادی، به بررسی پیش‌نیازهای اساسی توسعه پایدار روستایی پرداخته است.

۲- نهاد

«نهادها قوانین بازی در جامعه هستند، قید و بندهای وضع شده از جانب نوع بشر که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند. نهادها با تعریف ساختارهایی برای زندگی روزمره، عدم اطمینان در روابط را تقلیل داده و راهنمای کنش متقابل انسان‌ها می‌باشند» (نورث، ۱۹۸۲: ۱۹). نهادها محدودیت‌های وضع شده توسط افراد هستند که روابط متقابل انسان‌ها را با یکدیگر شکل می‌دهند و به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شوند. نورث نهادها را، محدودیت‌های رسمی (احکام، قوانین و مقررات یا قانون اساسی) و محدودیت‌های غیررسمی (هنجارهای رفتاری، عرف و اصول رفتاری) و ویژگی‌های اجرایی هر یک در جامعه معرفی می‌کند. آن‌ها با هم ساختار انگیزشی جوامع و به‌طور خاص اقتصادها را تعریف می‌کنند (North, 1996:2). نهادها هم قوانین رسمی نوشته شده را شامل می‌شوند و هم قواعد و اصول سلوک غیررسمی نانوشته‌ای را در بر می‌گیرند که مبنای قوانین رسمی بوده و آن‌ها را تکمیل می‌کنند. محدودیت‌های رسمی همان قوانینی است که افراد بشر وضع می‌کنند و محدودیت‌های غیررسمی شامل آداب و رسوم و قواعد و اصول رفتاری می‌باشد (نورث، ۱۹۹۰: ۲۱). اگر چه ممکن است قوانین رسمی یک شبه در نتیجه تصمیم‌گیری‌های سیاسی یا قضایی تغییر کنند، اما محدودیت‌های غیررسمی که جزئی از سنت‌ها، رسوم، اصول و قواعد رفتاری شده‌اند در مقابل سیاست‌های سنجیده و آگاهانه بسیار مقاومت می‌کنند. این محدودیت‌های غیررسمی (فرهنگی) نه فقط گذشته را به حال و آینده پیوند می‌زنند بلکه کلید تبیین مسیر تغییرات تاریخی را نیز در اختیار ما قرار می‌دهند (نورث، ۱۹۹۰: ۲۵). ارتباط بین نهادها و رسمی و غیررسمی یک شرط لازم برای بهبود بخشیدن به عملکرد اقتصادی می‌باشد (Mantzavinos, 2004: 15). از نظر نورث نهادها و رسمی و غیررسمی در تبیین پدیده اقتصادی اهمیت دارند. هر چند قوانین غیررسمی در کشورهای در حال توسعه در تأثیرگذاری بر انتخاب‌های افراد و اقتصاد، اهمیت بیشتری دارند. بنابراین، برای حل مشکلات اقتصادی هر کشور دست‌یافتن به رشد و توسعه اقتصادی، یکی از گام‌های اولیه، شناسایی نهادها است؛ زیرا آن‌ها محدودیت‌های رسمی و غیررسمی تصمیم‌سازی و اجرا در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی را تعیین نموده و به آن‌ها شکل می‌دهند (متوسلی و نجفی، ۱۳۸۸: ۸۷، ۹۳، ۱۰۳).

این باور که نهادها از عوامل مهم توسعه اقتصادی هستند امروزه در میان اقتصاددانان و سیاستگذاران بسیار رایج است. اعتقاد به اینکه نهادها عوامل مهم توسعه اقتصادی هستند (سوکولویچ^۱، ۲۰۱۵: ۴۵). نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند (نورث، ۱۹۹۰: ۱۹) و تأثیر مهمی بر عملکرد اقتصادی می‌گذارند که شامل رشد و توسعه اقتصادی، کاهش نابرابری و فقر می‌باشد. نهادها در یک جامعه دارای اهمیت فراوان است زیرا هر تصمیم، انتخاب و حرکت اجتماعی در چارچوب نهادها و براساس نهادها شکل می‌گیرد و توجه به نهادها و رسمی و غیررسمی، نهادها خوب و بد، نهادینه شدن نهادها نقش اساسی در توسعه نظام اقتصادی دارند. نهادها قاعده‌های بازی‌اند که باید و نبایدها نظام‌های مختلف را مشخص می‌کنند. به‌طور مثال اهمیت دادن به نهادها فرهنگ مالیاتی باعث بالا بردن بودجه و درآمد بخش

1 - Sokolović

عمومی می‌شود که در نتیجه رفاه عمومی افزایش می‌یابد. به اعتقاد نورث، اگر کشورها تمایل دارند پیشرفت داشته باشند، باید نهادهای بد خود را به نهادهای خوب تبدیل کنند (دادگر، ۱۳۹۵: ۷۳).

همچنین نهادها انگیزه‌ها را شکل داده و به همراه بودجه و قیمت‌ها، دایره انتخاب و فرصت‌های پیش‌روی افراد را تعیین می‌کنند و یکی از عوامل مهم در ایجاد فرصت‌ها و محدودیت‌های اجتماعی می‌باشند (متوسلی و نجفی، ۱۳۸۸: ۹۲-۸۹).

در واقع نهادها از طریق تأثیرگذاری بر هزینه‌های تولید و مبادله، وارد عملکرد اقتصادی می‌شوند و بر فعالیت‌های کنشگران اقتصادی و تحلیل‌های اقتصادی اثر می‌گذارند. افزون بر این، نهادها از کانال‌های دیگری مانند تعیین دایره انتخاب و فرصت‌های پیش‌رو و تعیین محدودیت‌ها نیز وارد عملکرد اقتصادی می‌شوند (متوسلی و نجفی، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

توجه به نقش نهادها در تعیین هزینه مبادله، نشان می‌دهد که نهادهای غیرکارآمد نقش جدی در افزایش هزینه مبادله دارد (نورث، ۱۹۹۴: ۳۶۰). از دیگر نقش نهادها می‌توان، حل معضل تعاون، افزایش بهره‌وری (نورث، ۱۹۹۰: ۵۵-۳۱) و تعیین مسیر عملکرد بلندمدت اقتصاد، به نحو بنیادین است (نورث، ۱۹۹۰: ۲۰۳-۱۸۵). نورث نهادها را به سه بخش به شرح زیر تقسیم نموده است: قوانین رسمی مانند قانون اساسی، قوانین کشوری و مقررات اجرایی که توسط دولت وضع می‌شوند؛ قوانین غیر رسمی نظیر قواعد اخلاقی، هنجارهای اجتماعی و قراردادهای اجتماعی؛ سیستم‌های اجرایی که شامل روش‌های رفتاری اختیاری، توانایی مقابله به مثل کردن و ضمانت‌های اجرایی دولتی نظیر جرائم، مجازات‌ها و مشوق‌های انگیزشی نظیر بخشودگی‌های مالیاتی می‌باشد (دهنوی و کهزادی، ۱۳۹۴: ۱۸۹).

نهادهای یک کشور، میزان هزینه‌های مبادله در آن کشور را تعیین می‌کنند و این نهادهای یک جامعه هستند که عملکرد اقتصادی را هدایت می‌کنند. به اعتقاد نورث «این فرصت‌ها عمدتاً فعالیت‌های بستر توزیع مجدد را نسبت به فعالیت‌های تولیدی، تسهیل می‌کنند. در نتیجه به جای شرایط رقابتی، زمینه را برای به انحصار در آوردن بازار فراهم می‌کنند و به جای خلق فرصت‌ها، بیشتر محدود کننده فرصت‌ها خواهند بود و اغلب سرمایه‌گذاری مناسبی در جهت آموزش فعالیت‌های مولد تولید صورت نمی‌گیرد. سازمان‌هایی که در این شرایط نهادی توسعه می‌یابند، کارایی بالایی در جهت غیرمولد تر کردن جامعه و کاهش توان ساختارهای مناسب آن برای فعالیت‌های تولیدی دارند» (نورث، ۱۳۷۷: ۲۸).

نهادهای سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌شوند. تغییرات نهادی مسیر تحول جوامع بشری در طول تاریخ را مشخص می‌کنند و بنابراین کلید فهم تغییرات تاریخی محسوب می‌شوند (نورث، ۱۹۸۲: ۲۳-۱۹).

۳- توسعه پایدار روستایی

توسعه روستایی به‌طور کلی به فرایند بهبود کیفیت زندگی و رفاه اقتصادی مردم ساکن در مناطق روستایی اشاره دارد. الگوی توسعه به فراتر از ترویج توسعه به جامعه کشاورزی معطوف شده است تا به تجدید نظر و حمایت از یک رویکرد یکپارچه شامل توسعه اجتماعی و افزایش درآمد بپردازد (UNDP, 2014: 3). بانک جهانی توسعه روستایی را به‌عنوان یک استراتژی با هدف بهبود شرایط زندگی اقتصادی و اجتماعی و تمرکز بر یک گروه خاص از افراد فقیر در یک منطقه روستا، تعریف می‌کند. این موضوع به فقیرترین گروه ساکن در مناطق روستایی کمک می‌کند تا از توسعه بهره‌مند شوند (World Bank, 1975). یادآور معتقد است؛ افزایش تولید و بهره‌وری، برابری در دسترسی به فرصت‌های کسب درآمد، دسترسی به



خدمات عمومی و دسترسی به نهاده‌های تولیدی، اشتغال سودمند، اعتماد به نفس، مشارکت مردم در فرایند توسعه و توازن بوم شناختی، هدف‌های به یکدیگر وابسته‌ای هستند که برداشت یکپارچه از توسعه روستایی را مطرح می‌نماید (یاداو، ۱۳۶۵ به نقل از ازکیا، ۱۳۶۸: ۳۷). در ادامه به معرفی شاخص‌های توسعه روستایی پرداخته می‌شود.

امروزه بسیاری از سازمان‌های ملی و بین‌المللی شامل سازمان ملل، مؤسسه بین‌المللی توسعه پایدار، کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل، میزگرد ملی محیط‌زیست و اقتصاد، برنامه توسعه سازمان ملل، بانک جهانی، بنیادهای اقتصاد نوین و غیره برای توسعه پایدار، شاخص‌های پایداری مطرح نموده‌اند. این تلاش‌ها بر توسعه عمومی (در مقایسه با محیط فیزیکی و اقتصاد) در سطح کلان متمرکز بوده‌اند (Choi and Sirakaya, 2006: 119). شاخص‌های توسعه روستایی به‌عنوان جزئی از شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی و زیست محیطی، پدیده‌های توسعه روستایی را در سطوح مختلف اندازه‌گیری و سیستم اطلاعاتی را به‌منظور تبیین منطقه و فضای روستایی فراهم می‌سازند. در رهیافت‌های جدید به‌منظور سنجش پایداری توسعه در کشورهای مختلف، سازمان ملل شاخص‌های چهارگانه‌ای را به شرح زیر ارائه داده است:

- شاخص‌های اجتماعی (شامل؛ آموزش، اشتغال، بهداشت، مسکن، رفاه و عدالت اجتماعی، میراث فرهنگی، فقر و توزیع درآمد، جرم و جنایت، جمعیت، ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، نقش زنان، دسترسی به زمین و سایر منابع طبیعی و ساختار اجتماعی)؛
- شاخص‌های اقتصادی (شامل؛ وابستگی و استقلال اقتصادی، انرژی، الگوهای تولید و مصرف، مدیریت فاضلاب، حمل و نقل، معدن، ساختار اقتصادی و توسعه، تجارت و بهره‌وری)؛
- شاخص‌های زیست - محیطی (شامل؛ آب‌های زیر زمینی، آب شیرین، کشاورزی و امنیت غذایی، شهرسازی، مناطق ساحلی، حفظ تپه‌های مرجانی و محیط زیست دریا، آبیان، تنوع گونه‌ها و بیوتکنولوژی، مدیریت پایدار جنگل‌ها، آلودگی هوا و تخریب لایه ازن، تغییر اقلیم جهانی و بالا آمدن آب دریاها، بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی، گردشگری پایدار، تغییر کاربری اراضی)؛
- شاخص‌های نهادی (شامل؛ تصمیم‌گیری یکپارچه، ظرفیت‌سازی، علوم و تکنولوژی، آگاهی عمومی، همکاری و قراردادهای بین‌المللی، دولت و نقش جامعه مدنی، چارچوب نهادی و قانونی، آمادگی مصیبت‌ها و مشارکت عمومی) (United Nation, 1996: 112).

نقش غیرقابل انکار روستاها در توسعه کشورهای جهان سوم از این منظر قابل توجه می‌باشد که روستاها در این کشورها محل اصلی تولید و تأمین مواد غذایی می‌باشند و در واقع بیشتر اراضی کشاورزی این کشورها در مناطق روستایی قرار دارد. براساس آمار بانک جهانی در حال حاضر، حدود ۴۳ درصد از کل جمعیت جهان ساکن روستاها می‌باشند (World Bank, 2021). بنابراین، از آنجا که استراتژی توسعه روستایی بهبود کیفیت زندگی در روستاها می‌باشد، نگاه نظام‌مند به پیش‌نیازها و الزامات توسعه روستایی به عنوان کلید رشد و توسعه پایدار ضروری است. بررسی ادبیات توسعه پایدار و مرور پژوهش‌ها و مطالعات تجربی انجام شده در زمینه توسعه روستایی نشان می‌دهد که دستیابی به توسعه پایدار روستایی، نیازمند برخی پیش‌نیازهای مهمی است که در ادامه به طور مختصر به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

آموزش: نقش آموزش در تحقق توسعه پایدار سبب شده که امروزه و در همه‌جا، آموزش به منزله‌ی مهم‌ترین نهاد اجتماعی و به عنوان بنیان سیاست‌های عمومی هر جامعه معرفی شود؛ بنیان برای توسعه انسانی و اجتماعی، پیشرفت

اقتصادی، رقابت‌پذیری پایدار و ایجاد صلح در جهان. زیرا از طریق آموزش نه تنها می‌توان کیفیت زندگی و مهارت‌های مردم را بهبود بخشید، بلکه می‌توان به جامعه‌ای پیشرفته‌تر و ملتی خلاق‌تر دست یافت (UNESCO, 2014: 3).

آموزش و پرورش دو ابزار قدرتمند در مبارزه با فقر روستایی و تحقق توسعه روستایی محسوب می‌شوند (2003:29, Atchoarena and Gasperini). نقش آموزش در توسعه روستایی را می‌توان به طور خلاصه در ارتقاء دانش فرهنگی، اجتماعی، تخصصی و افزایش مهارت‌ها دانست که به دنبال آن ارتقاء بهره‌وری مطلوب میسر خواهد شد (بساک و همکاران، ۱۳۹۵). آموزش برای توسعه روستایی، باید متناسب و با کیفیت باشد و موجب تحول ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و افزایش بهره‌وری، تحرک، تنوع و رشد شود. بنابراین ضروری است که آموزش برای توسعه روستایی - در هر سطح یادگیری، به ویژه در سطوح پایین - باید هموطنان را همزمان از همه عوامل بازدارنده پیشرفت و تمام ابزارهای مورد نیاز برای دسترسی زندگی ثروتمندتر و استاندارد بالاتر متناسب با عصر نوین آگاه کند. آموزش و فعالیت‌های آموزشی تنها در صورتی می‌توانند موفقیت‌آمیز باشند که جزئی از یک استراتژی توسعه کلی باشند، به عنوان مثال با سایر نهادهای مرتبط مانند بذرهای اصلاح‌شده، کودها، حشره‌کش‌ها، تسهیلات اعتباری و بازاریابی، مشاوره ترویجی، خدمات بهداشتی، تمهیدات مناسب برای مالکیت زمین و غیره تکمیل شوند (Atchoarena and Gasperini, 2003: 203-205, 232).

در حقیقت آموزش به عنوان ابزاری اساسی در بهبود سرمایه انسانی، افزایش مهارت، آگاهی و دانش این افراد مؤثر است. همچنین استعداد و توانایی‌های افراد را به مرحله بالفعل می‌رساند. آموزش موجب کاهش نرخ بیسوادی و ترک تحصیل زود هنگام افراد ساکن روستا می‌شود. کاهش نابرابری جنسیتی در آموزش و پرورش، بالا بردن سطح آگاهی و دانش در جوامع از طریق توسعه فناوری اطلاعات، ایجاد فرصت‌های شغلی جذاب، مولد و کارآفرین از طریق افزایش مهارت، ترغیب و حمایت از جوانان به سرمایه‌گذاری در روستاهای خود، کاهش مهاجرت از روستا به شهر، کاهش فقر در مناطق محروم از طریق ایجاد ارتباط بین جوامع روستایی جدا شده از بازارهای دور دست، افزایش فرصت‌ها و برنامه‌های آموزشی، توسعه نیروی انسانی از دیگر مزایای آموزش در توسعه روستایی می‌باشد (UNDP, 2010: 6). از این منظر می‌توان گفت که از یک‌سو، توسعه‌ی انسانی با افزایش قابلیت‌های انسانی، به افزایش درآمد و بهره‌وری افراد کمک نموده نقش مهمی در خروج از دور باطل فقر و افزایش رشد اقتصادی ایفا می‌کند. از سوی دیگر، توسعه‌ی انسانی (از طریق افزایش سطح سواد و امید به زندگی و کاهش ضعف و بیماری)، دسترسی گسترده به امکانات و فرصت‌های برابر اجتماعی را فراهم نموده و سبب می‌شود که توده‌های مردم مستقیماً در فرایند توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی مشارکت نمایند (Sen, 1999: 15). یکی از شاخص‌های توسعه پایدار، نهادینه کردن مفهوم توسعه درون و بین نسل‌های جامعه است، از این رو سرمایه‌گذاری در آموزش توسعه‌ای و تولید انسان‌هایی با شاخصه‌های علمی‌گرا، مهارت‌گرا، تغییرپذیر، سیستمی، پژوهشگر، خودنظارت و به بیان دیگر دارای انعطاف ذهنی و تحرک اندیشه، قادر خواهد بود فرایند توسعه را در تمامی ابعاد جامعه، گسترش داده و افراد جامعه را به عنوان اصلی‌ترین عوامل توسعه به بهترین شکل توسعه‌ای آموزش داده و به ارتقای کمی و کیفی جامعه کمک کنند. از منظر دیگر، آموزش توسعه‌ای باعث می‌شود که افراد در برابر تغییرات نه تنها مقاومت نکنند، بلکه به دلیل داشتن انعطاف‌پذیری لازم، استقبال نیز بنمایند؛ این پدیده خود از شاخصه‌های مهم در رابطه با توسعه پایدار است (موسایی و احمدزاده، ۱۳۸۸: ۲۲۱).

بنابراین می‌توان گفت که آموزش یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین نهادهای توسعه پایدار روستایی در کشورهای توسعه‌نیافته است. در واقع، نهادهای آموزشی از جمله نهادهای بنیادی جامعه محسوب می‌شوند. نهادهای آموزشی هر کشور در انتقال

ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی نقش مهمی دارند و منعکس کننده ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی آن جامعه می‌باشند (حسن زاده، ۱۳۸۲: ۴۹). بنابراین رویکردی که می‌تواند به بهترین شکل در فهم و تبیین آموزش کمک کند و از قدرت پیش‌بینی و تجویز کافی برخوردار باشد، یک الگوی نظری است که قدرت تجزیه و تحلیل روشمند نهادها را داشته باشد.

توسعه‌ی انسانی: در عصر حاضر، انسان موضوع محوری مباحث توسعه است (Haq, 1995: 16). یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های توسعه‌ی انسانی این است که در این رویکرد، مهم‌ترین عامل و هدف توسعه از درآمد و سرمایه به انسان و قابلیت‌های او تغییر یافته است. براساس گزارش‌های توسعه‌ی انسانی برنامه توسعه ملل متحد، «مردم ثروت واقعی ملت‌ها هستند و توسعه‌ی انسانی، فرایند گسترش انتخاب‌های مردم است. طیف وسیع انتخاب‌هایی که می‌توانند در طول زمان تغییر کنند. اما مهم‌ترین آن‌ها، شامل فراهم شدن زندگی سالم و طولانی، کسب دانش و برخورداری از استانداردهای مطلوب زندگی است» (UNDP, 1990: 10). هدف از توسعه‌ی انسانی، ایجاد محیطی است که در آن تمامی مردم، هم بتوانند توانایی‌های خود را گسترش دهند و هم قدرت و امکان استفاده از توانایی‌های خود را بیابند، تا به این ترتیب هم برای نسل‌های حاضر و هم برای نسل‌های آینده، فرصت‌های وسیع‌تری فراهم شود. توسعه‌ی انسانی دو وجه دارد: یکی شکل‌گیری قابلیت‌های انسانی نظیر بهبود در سلامتی، دانش و مهارت است؛ دیگری به‌کارگیری این توانمندی‌های اکتسابی در راه مقاصد سازنده، کسب آسایش و آرامش و فعالیت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد (UNDP, 1994: 13).

چنانچه در گزارش‌های توسعه‌ی انسانی تأکید می‌شود، هدف توسعه‌ی انسانی بسط آزادی‌های انسان و توانمندسازی مردم برای مشارکت فعال در فرایند توسعه است. توسعه‌ی انسانی نه تنها درباره‌ی سلامتی، آموزش و درآمد؛ بلکه درباره نقش محوری مردم در ایجاد توسعه، برابری، پایداری و جنبه‌های واقعی آزادی است که افراد جهت پیگیری یک زندگی ارزشمند برای آن دلیل دارند (UNDP, 2010: 6). از این منظر می‌توان گفت که از یک‌سو، توسعه‌ی انسانی با افزایش قابلیت‌های انسانی، به افزایش درآمد و بهره‌وری افراد کمک نموده نقش مهمی در خروج از دور باطل فقر و افزایش رشد اقتصادی ایفا می‌کند. زیرا رشد اقتصادی، بدون بهبود در توسعه‌ی انسانی استمرار نمی‌یابد و توسعه‌ی انسانی، پیش‌نیاز رشد پایدار بلندمدت است. چنانچه نظریه‌پردازان مدل‌های رشد درون‌زا نیز، توسعه‌ی انسانی را از سرمایه‌ی انسانی جدا نموده و معتقدند که هر کشور برای حرکت در مسیر رشد اقتصادی پایدار، به یک آستانه‌ی توسعه‌ی انسانی نیاز دارد. از سوی دیگر، توسعه‌ی انسانی (از طریق افزایش سطح سواد و امید به زندگی و کاهش ضعف و بیماری)، دسترسی گسترده به امکانات و فرصت‌های برابر اجتماعی را فراهم نموده و سبب می‌شود که توده‌های مردم مستقیماً در فرایند توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی مشارکت نمایند (Sen, 1999: 15). دسترسی عادلانه به امکانات و فرصت‌ها نیز، باعث تقویت سرمایه اجتماعی شده و زمینه را برای تحقق توسعه‌ی پایدار فراهم می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت که توسعه‌ی انسانی یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای توسعه‌ی پایدار روستایی است. با توجه به اهمیت فزاینده جایگاه انسان و قابلیت و توانمندی‌های او در عصر توسعه، آنچه که می‌تواند تعیین کننده انتخاب‌ها و عملکرد و فرصت‌های پیش‌رو انسان باشد عوامل نهادی مانند ارزش‌ها، هنجارها و نظام پاداش‌دهی اجتماعی - اقتصادی است. بنابراین دارای ماهیت نهادی می‌باشد و شناسایی آن نیازمند کاربست چارچوب نظری دارای قدرت تجزیه و تحلیل روشمند نهادها است.

رژیم نهادی: ویژگی‌های یک رژیم نهادی مساعد شامل یک دولت کارا، پاسخگو و عاری از فساد و یک سیستم قانونی است که از قوانین اساسی تجارت حمایت و اجرا می‌کند و از حقوق مالکیت محافظت می‌کند. حقوق مالکیت فکری نیز باید محافظت و به شدت اجرا شود. اگر حقوق مالکیت فکری به اندازه کافی حمایت و اجرا نشود، محققان/دانشمندان انگیزه کمتری برای ایجاد دانش و فناوری جدید خواهند داشت و حتی در صورت ایجاد دانش، فقدان حمایت از حقوق مالکیت فکری به شدت مانع انتشار چنین دانش جدیدی خواهد شد (Chen and Dahlman, 2004: 13). یک رژیم نهادی و مشوق اقتصادی مناسب، استفاده گسترده و کارآمد از دانش محلی و جهانی در همه بخش‌های اقتصادی را ترویج می‌کند، باعث تقویت کارآفرینی می‌شود و از تحولات اقتصادی و اجتماعی ناشی از انقلاب دانش حمایت می‌کند (Debnath, 187: 2011). این بخش شامل یک محیط قانونی و اقتصادی که قادر باشد جریان آزاد دانش را فراهم کند، سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات و ارتباطات را حمایت کند، و مشوق کارآفرینی در اقتصاد دانش‌بنیان باشد. همچنین دولت باید هرگونه انحرافات سیاسی و قیمتی که به عنوان مانعی برای استفاده کارآمد از منابع که برای رشد اقتصادی ضروری هستند را حذف کند. بنابراین یک رژیم قانونی معتبر باید بواسطه قوانین و عملکردهای مناسب باعث تشویق سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیریت مؤثر موسسات فناوری اطلاعات شود. براساس شواهد موجود در رابطه با رشد و توسعه، دولتی که عملکرد مناسب و بهتری داشته باشد جوامع مرفه‌تری را ایجاد می‌کند (World Bank, 2007: 25). دو مؤلفه اساسی رژیم نهادی حکمرانی خوب و حقوق مالکیت است که در ادامه معرفی شده است:

حکمرانی خوب: نمود اصلی رژیم نهادی، حکمرانی می‌باشد. حکمرانی خوب نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها می‌باشد که به وسیله آن جامعه، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق تعامل سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی مدیریت می‌کند. حکمرانی خوب شامل ۸ ویژگی؛ مشارکت گرا، اجماع گرا، پاسخگو، شفاف، مسئول، مؤثر و کارآمد، عادلانه و فراگیر است و از حاکمیت قانون پیروی می‌کند (Escap, 2009, Keping, 2018, Jaja, 2014). حکمرانی خوب شامل تحکیم قدرت مشروع و قدرت دولت در تلاش برای آوردن همه ساختارها تحت ابزار دقیق است که صلح، امنیت و ثبات را قادر می‌سازد - در نتیجه منجر به رونق اقتصادی - سیاسی و اقتصادی می‌شود (Jaja, 2014). (3) حکمرانی خوب از طریق استقرار شاخص‌های حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارایی و اثر بخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد موجب توسعه روستاها می‌گردد (کوهستانی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۸-۹). در واقع نهاد حکومت با تثبیت قوانین و وضع مقررات، ایجاد نظم اجتماعی، رعایت حقوق و احترام به افراد جامعه موجب ایجاد سرمایه اجتماعی می‌گردد. بنابراین حکومت خود یک ابر نهاد، نهاد ساز است در نتیجه شناسایی آن نیازمند کاربست چارچوب نظری دارای قدرت تجزیه و تحلیل روشمند نهادها است. به نظر می‌رسد حکمرانی خوب بهترین روش برای دستیابی به نهادهایی است که برای برقراری حقوق مالکیت لازم هستند.

❖ **حقوق مالکیت:** حقوق مالکیت به یک نهاد اجتماعی اشاره دارد که خالق انگیزه‌ها برای استفاده مؤثر از دارایی‌ها برای کسب و سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها می‌باشد. ویلیامسون معتقد است برای دستیابی به توسعه باید نهادها تصحیح و شفاف شوند و در این میان شفافیت حقوق مالکیت، مهم‌تر از سایر نهادهاست (Williamson, 1994). به عقیده نورث، تفاوت در سطح توسعه یافتگی کشورها به عملکرد متفاوت نظام‌های حقوق مالکیت مرتبط است. از نظر وی، تصریح بهتر حقوق مالکیت در کشورهای توسعه‌یافته، هم اختراع و نوآوری و هم نرخ خصوصی‌سازی را افزایش داده است (نورث، ۱۳۷۹: ۸۴-۹۰). مارکس اذعان داشت که حمایت از حقوق مالکیت خصوصی باعث می‌شود که رشد بهره‌وری

سریع باشد و در نتیجه آن فقر از بین برود (سامبن^۱، ۲۰۱۱: ۱۱). کامونز^۲ (۱۹۳۱) برخلاف اقتصاددانان نئوکلاسیک، حقوق مالکیت را داده شده و معین فرض نکرده است و نشان داده است که حقوق مالکیت محصول کنش جمعی است. وی مالکیت را شالوده‌ی اقتصاد نهادگرایی دانسته و اصطلاحات «اقتصاد نهادگرایی» و «اقتصاد مالکانه» را به جای هم به کار برده است (سرخه‌دهی، راغفر و مؤمنی، ۱۳۹۶: ۳۵). در نهایت می‌توان نتیجه گرفت با توجه به اینکه حقوق مالکیت تابع قوانین کشور است و قوانین نیز جز نهادهای رسمی می‌باشد، تضمین حقوق مالکیت به عنوان پیش‌نیاز اصلی توسعه پایدار روستایی دارای ماهیت نهادی است.

توسعه‌ی اجتماعی: از ابتدای قرن بیست و یکم، توسعه‌ی پایدار دیگر صرفاً توجه به ابعاد زیست‌محیطی و اقتصادی نیست بلکه مباحث اجتماعی در پیچه جدیدی را در رسیدن به توسعه‌ی پایدار برای ما گشوده است. در حالی که توسعه‌ی اقتصادی زیست‌محیطی هر دو از اهداف توسعه‌ی پایدار و ابزاری برای رسیدن به آن هستند، توسعه‌ی اجتماعی رابطی میان این ابعاد مختلف توسعه‌ی پایدار بوده و هدف آن عدالت، مشارکت، آگاهی برای پایداری و همبستگی اجتماعی است (Murphy, 2012: 23). اگر توسعه‌ی پایدار را همانطور که در گزارش برانت‌لند آمده است، پاسخگویی به نیازهای حال حاضر بدون لطمه به قابلیت نسل‌های آینده بدانیم، شاید نتوان آن را بدون در نظر گرفتن متغیرهای اجتماعی تصور کرد. بر همین اساس است که توسعه‌ی اجتماعی یکی از ابعاد اصلی توسعه‌ی پایدار است. براساس آخرین تعاریف سازمان ملل، توسعه‌ی اجتماعی، هم شامل دستاوردهای مادی مانند سلامت، آموزش مناسب و دسترسی پایدار به منابع و خدمات برای زندگی مناسب در یک محیط قابل پذیرش است، و هم دستاوردهای غیرمادی با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مانند برابری، حس کرامت، امنیت و شمول اجتماعی و دستاوردهای سیاسی مربوط به فعالیت، مشارکت و بازنمایی است (UNRISD, 2016). در مجموع می‌توان گفت که ابعاد مختلف توسعه‌ی اجتماعی شامل این موارد است:

- سرمایه اجتماعی، اعتماد و انسجام اجتماعی؛
- ارتقاء آزادی‌های فردی و اجتماعی، رفع تبعیض جنسی و گسترش امنیت به منظور ایجاد زمینه‌ای باثبات برای توسعه؛
- افزایش شفافیت و پاسخگویی حکومت و صاحبان قدرت؛
- تأمین نیازهای فردی و اجتماعی همه‌ی اعضای جامعه؛
- ارتقاء سطح مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، تأمین منابع، اجرا و ارزیابی طرح‌های توسعه‌ای (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۳).

برای مثال، اگر حس مسئولیت‌پذیری، عدالت اجتماعی، اعتماد و... در جامعه‌ای کم‌رنگ باشد، چگونه می‌تواند از یک جامعه انتظار داشت که در استفاده از منابع، منافع نسل‌های آینده را مدنظر قرار دهند. بنابراین، می‌توان گفت که توسعه‌ی پایدار برخاسته از پایداری اجتماعی و است و زمینه‌ساز رسیدن به توسعه‌ی پایدار، توجه به مباحث اجتماعی است. به این معنی که اگر در جامعه‌ای شاخص‌های پایداری اجتماعی از حد مطلوبی برخوردار باشند، انتظار می‌رود توسعه‌ی پایدار در دیگر ابعاد زیست‌محیطی و اقتصادی نیز وجود داشته باشد.

❖ **سرمایه اجتماعی:** مطالعات مختلف نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی عاملی ضروری برای شروع و حفظ تاب‌آوری توسعه اجتماعی، اقتصادی یک کشور یا یک منطقه خاص است (Nasihuddin et al, 2020: 2). تعاریف گسترده‌ای

3- Sembene

4- Pouris

از سرمایه‌ی اجتماعی از دیدگاه صاحب‌نظران و اندیشمندان مطرح است که جوهره‌ی اصلی این تعاریف بر سه عنصر اعتماد، مشارکت و هنجارها متکی است. از منظر پانام، سرمایه‌ی اجتماعی «ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که باعث بهبود کارایی جامعه از طریق تسهیل کنش‌های همکاری می‌شود» (Putnam, 1993: 169). بانک جهانی سرمایه‌ی اجتماعی را به عنوان مجموعه‌ای از هنجارها و شبکه‌ها تعریف می‌کند که اقدام جمعی را ممکن می‌سازد (Thompson, 2018: 3). سرمایه اجتماعی از طریق مشارکت مردم روستائیان، همبستگی اجتماعی، عضویت در انجمن‌ها و شبکه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و باورها و نیز پیوندها و تعاملات از طریق ظرفیت‌سازی، توانمندسازی، نهادسازی یا توسعه نهادی و در چارچوب برنامه‌ریزی راهبردی مشارکتی، تعاملی و ارتباطی با پارادایم فضایی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی منجر به شکل‌گیری جامعه‌ای نهادگرا، غیرمتمرکز، مشارکتی، تعاملی و ارتباطی همراه با عدالت فضایی می‌شود که در نتیجه آن توسعه پایدار روستایی تحقق می‌یابد (رکن‌الدین افشاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۳). توسعه‌ی اجتماعی تابع نهادهای اجتماعی از جمله سرمایه اجتماعی می‌باشد بنابراین ماهیتی نهادی دارد.

بهبود بهره‌وری: توسعه‌ی پایدار به معنی ارائه راه‌حل‌هایی است که بتواند از بروز مسائلی همچون نابودی و اتلاف بیش از اندازه منابع طبیعی، تخریب سامانه‌های زیستی، افزایش بی‌رویه جمعیت و پایین آمدن کیفیت زندگی انسان‌های حال و آینده جلوگیری کند. همچنین توسعه‌ی پایدار تحت تأثیر محدودیت‌های ناشی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است. از این رو نظریه‌پردازان همواره تأکید می‌کنند که اهداف توسعه‌ی پایدار باید به‌طور عملیاتی و با در نظر داشت امکانات و محدودیت‌های هر کشور و منطقه‌ای تعریف شود (فیض‌آبادی فراهانی، ۱۳۹۲: ۲۳). یکی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر توسعه‌ی پایدار، بهره‌وری می‌باشد. ارتقای بهره‌وری، به صرفه‌جویی در استفاده از منابع تولید و کاهش آثار سوء زیست محیطی منجر می‌شود که در فرایند توسعه‌ی پایدار، اهمیتی ویژه دارد. زیرا امروزه حفظ منابع طبیعی و تأمین انرژی، از اساسی‌ترین پیش‌نیازهای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها به شمار می‌رود و روش‌های غیر بهینه‌ی استفاده از منابع طبیعی و تولید و مصرف انرژی، خود از عوامل تعیین‌کننده در آلوده نمودن محیط زیست و ناپایداری‌های اقتصادی می‌باشند (Oulton, 2004: 15).

توسعه‌ی پایدار مستلزم بهبود بهره‌وری و بررسی رابطه بین فقر و پایداری است. زیرا میزان کاهش فقر به واسطه‌ی رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه به شرایط اقتصادی بستگی دارد که رشد در آن اتفاق می‌افتد. مطالعات انجام شده در کشورهای جنوب آسیا و صحرای آفریقا نشان می‌دهد که عملکرد بخش کشاورزی بسیار حیاتی است؛ زیرا در مناطقی که بهره‌وری کشاورزی به ازای نیروی کار در آن‌ها بالاتر است، میزان فقر کمتر است (Ekbrand and Hallerod, 2018: 227). بدون افزایش بهره‌وری، محدودیت عوامل تولید در هر کشور و به‌خصوص کشورهای در حال توسعه، رشد جمعیت در این کشورها به علاوه افزایش میزان توقعات عمومی، یک تناقض را فراهم می‌سازد. زیرا در این حالت به جای ایجاد رفاه بیشتر، روز به روز شاهد تقسیم منابع بر تعداد فزاینده جمعیت خواهیم بود که حاصل هر فرد از مواهب زندگی را هر روز کمتر می‌کند. بنابراین چاره‌ای جز تلاش برای افزایش بهره‌وری در این کشورها وجود ندارد و این نتیجه‌ای است که اندیشمندان اقتصادی با هر نوع تفکری به آن دست یافته‌اند (Jordan et al., 2012: 105).

در کشورهای توسعه‌نیافته و به‌ویژه مناطق روستایی، قشرهای بسیار فقیر تنها در تلاش بقای خود هستند و غالباً تمایل و توان لازم برای پرهیز از برداشت بی‌رویه از منابع طبیعی و تخریب محیط زیست را ندارند. برای آن‌ها کیفیت زندگی اهمیت زیادی ندارد؛ زیرا اصل زندگی در خطر است، نه حفظ محیط زیست و افزایش دمای زمین (سالم و یارمحمدی، ۱۳۹۷: ۴۱). بنابراین می‌توان گفت که یکی از پیش‌نیازهای دستیابی به توسعه‌ی پایدار روستایی، بهبود بهره‌وری می‌باشد؛ زیرا بهره‌وری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی و استفاده بهینه و کارآمد از منابع، می‌تواند نقش به‌سزایی در کاهش

فقر و ارتقای سطح زندگی عموم مردم داشته باشد. از دیدگاه نورث برای بهبود بهره‌وری دو مجموعه نهادی (نهادهای طرف عرضه و تقاضا) باید اصلاح شوند. نهادهای طرف عرضه: یعنی خلق یک ساختار نهادی و سازماندهی که فعالیت‌های تسهیل‌گر بهره‌وری را تشویق نماید. نهادهایی همچون حقوق مالکیت، نهادهای مرتبط با عدم اطمینان و ریسک، نهادهای مؤثر بر تحرک سرمایه و نهادهای مرتبط با جریان شفاف اطلاعات، با کاهش هزینه‌های مبادله و تبدیل موجب بهبود بهره‌وری می‌شود. ضعف نهادهای فوق منجر به افزایش هزینه‌های مبادله شده و مانعی بر سر راه بهبود بهره‌وری تلقی می‌شود. نهادهایی که هزینه‌های تبدیل را کاهش می‌دهند، نیز شامل آن نهادهایی هستند که امکان معرفی و به‌کارگیری تکنولوژی پیشرفته را فراهم می‌کنند. نهادهای طرف تقاضا: تغییرات القاء شده از طرف عرضه در سازماندهی و تکنولوژی، هزینه‌ها و منافع درک شده افراد و گروه‌ها را در طول تاریخ تغییر می‌دهد و واکنش‌هایی را از طریق عمل گروهی یا فرایندهای سیاسی ایجاد می‌کند که بهره‌وری اقتصاد را متأثر می‌کند. به عبارت دیگر این گونه نهادها (ی رسمی و غیررسمی) تقاضا برای نهادهای گروه الف را در جامعه ایجاد می‌کنند. دستیابی به عملکردهای بالای بهره‌وری مستلزم وجود یک نظام سیاسی قابل دوام است که نهادهای اقتصادی لازم را ایجاد کند و تضمین‌های اجرایی مؤثر را فراهم نماید (متوسلی، مؤمنی و فتح‌اللهی، ۱۳۹۱: ۵۳). بنابراین شناسایی و تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به بهره‌وری، نیازمند چارچوب نظری دارای قدرت تحلیل روشمند نهادهاست.

محیط زیست: امروزه مسأله حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب آن به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی جامعه جهانی مطرح شده و به یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های ارزیابی دولت‌ها در جهان تبدیل شده است. زیرا مصادیق ناپایداری همانند افزایش جمعیت، استفاده نامناسب از انرژی و یا انرژی‌های نامناسب، بهره‌برداری و تخریب بی‌رویه منابع طبیعی، فقر و الگوهای نامعقول تولید و مصرف موجب شده تا بشر جهت رفع نیازهای بی‌انتهای خود اقدام به بهره‌برداری نامناسب از طبیعت و تخریب محیط زیست نماید. به همین دلیل در سال‌های گذشته، قوانین و کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی زیادی برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست در سطح جهان منعقد شده است (Murphy, 2012: 12).

مناطق روستایی بخش عمده‌ای از جمعیت و عرصه‌های طبیعی و زیستی کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص داده و نقش اساسی در حیات اقتصادی و اجتماعی این کشورها دارند. مناطق روستایی به واسطه نزدیکی بیشتر به طبیعت و اثرات مستقیمی که بر محیط زیست می‌گذارند و تأثیراتی که از طبیعت می‌پذیرند، از اهمیت به‌سزایی برخوردار هستند. حفاظت از محیط زیست، در فرایند برنامه‌ریزی توسعه پایدار روستایی توجه خاصی را می‌طلبد. زیرا محیط‌زیست یکی از ابعاد حساس و آسیب‌پذیر روستاها می‌باشد که تغییر الگوی مصرف و بی‌توجهی روستائیان زمینه‌های تخریب طبیعت و زندگی سالم را در روستاها گسترش داده است. توسعه پایدار روستایی بر پایه رفتار بلندمدت روستائیان در تضمین پایداری و بهره‌وری زمین و منابع در آینده پدید می‌آید و به امنیت غذایی، معیشت پایدار و حفاظت از محیط‌زیست منجر می‌شود. بنابراین در برنامه‌ریزی و ارائه راهبردهای توسعه روستایی، باید زمینه برای استفاده‌ی بهینه و مناسب از طبیعت روستاها و توسعه‌ی سازگار با محیط زیست فراهم شود (قاسمی سیانی و خلیل‌آباد، ۱۳۹۰: ۷۵، ۷۲). کشورهایی که متوسط شاخص‌های کیفیت نهادی در آن‌ها بیشتر است و از لحاظ کیفیت نهادها به طور عمومی در وضع بهتری قرار دارند، با آلودگی زیست محیطی کمتری روبه‌رو هستند. ارتقای شاخص کیفیت نهادی با بهبود رتبه و وضعیت کشورها در هر یک از شش شاخص (اثر بخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد، حق اظهار نظر و پاسخگویی و ثبات سیاسی) که تعیین‌کننده کیفیت نهادی هستند، اتفاق می‌افتد. در این رابطه دولت می‌تواند از طریق وضع قوانین زیست محیطی جامع، شفاف و سخت‌گیرانه با استفاده از ابزارهای اقتصادی مانند مالیات‌های زیست محیطی و پرداخت یارانه از انتشار رو به رشد آلودگی جلوگیری نماید (مداح و عبداللهی، ۱۳۹۱: ۱۸۰). بنابراین می‌توان گفت که حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری بهینه از

منابع طبیعی برای بقاء، تداوم و پایداری منابع و زندگی انسان، ارتقاء شرایط زندگی و معیشت در نواحی روستایی تابع نهادهای رسمی و غیررسمی است.

برابری و مساوات: با گذشت زمان و برحسب دیدگاه‌های متفاوت، مفهوم و ماهیت برابری تغییرات زیادی پیدا کرده است که از آن جمله می‌توان به برابری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اشاره نمود. امروزه، نظامی از مناسبات که در آن افراد یک جامعه از نظر حقوق و منزلت، یکسان تلقی می‌شوند؛ به عنوان تعریفی از برابری در نظر گرفته می‌شود (بریاچی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴). بر مبنای تعریفی که کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه از توسعه‌ی پایدار ارائه نموده است، قبل از این که هر جامعه‌ای بتواند به پایداری برسد، برابری بین نسل‌ها و درون نسل‌ها باید تأمین گردد. یعنی برای آن که توسعه‌ی پایدار از لحاظ اخلاقی باثبات باشد، نیاز دارد که سطح زندگی و رفاه قشرهای فقیر جامعه را بهبود بخشد و در عین حال از وارد آمدن خسارات جبران‌ناپذیر بر سرمایه‌ی نسل‌های آینده ممانعت نماید (WCED, 1987: 43). به عبارت دیگر آنچه مورد نیاز است عدالت در بهره‌مندی از فرصت‌ها و قراردادهای اجتماعی بین نسل‌ها است که فرصت‌های مشابه به گذشته را برای آیندگان فراهم آورد. بر همین اساس است که در توسعه‌ی پایدار، بهره‌مندی اکثریت جامعه از آثار و پیامدهای توسعه و دسترسی عادلانه و برابر به فرصت‌ها، با تأکید بر اولویت نیازهای حداقل برای توده‌های فقیر از ویژگی‌های اصلی به شمار می‌رود (جمعه‌پور، ۱۳۸۲: ۱۰۸).

بنابراین می‌توان گفت که یکی از ارکان توسعه، جامعیت و یکپارچه بودن آن در رفع نابرابری و عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی است. در اوایل دهه ۱۹۸۰، چارچوب پیشنهادی آمارتیا سن روش جدیدی برای ارزیابی و مقایسه‌ی رفاه بشر به ارمان آورد. او پیشنهاد کرد رفاه باید از طریق فرصت‌های در دسترس مردم و آزادی انتخاب آن‌ها اندازه‌گیری شود (Alkire et al., 2015: 23). در سال‌های بعد نیز با تشکیل کنفرانس‌های متعدد که مهم‌ترین آن کنفرانس توسعه‌ی پایدار است، وجوه مختلفی برای سنجش ابعاد اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی توسعه مورد توجه قرار گرفت. چنانچه دستیابی به شعار «هیچ‌کس پشت سر رها نخواهد شد»^۱ در دستور کار جنبش ۲۰۳۰ برای توسعه‌ی پایدار، مورد تأکید قرار گرفته است. این شعار نیز نشان‌دهنده‌ی اهمیت عدالت و برابری در این جنبش جهانی برای پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی جوامع است (WHO, 2016: 2).

نابرابری در اصل مبتنی بر تفاوت‌هایی است که نظام و جامعه در رفتار و برخورد با افراد قائل شده و علت این تفاوت مشخصه‌هایی مانند طبقات اقتصادی، نژاد، دین، قومیت و جنسیت است. وجود نابرابری در ابعاد مختلف آن از نشانه‌های مهم توسعه‌نیافتگی است؛ زیرا کشورهایی که امروزه به‌عنوان کشورهای توسعه‌یافته شناخته می‌شوند، ضمن این که از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بالایی برخوردارند، توزیع درآمد و امکانات نیز در آن‌ها نسبتاً عادلانه است (نظم‌فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۹۸).

مسئله نابرابری در بسیاری از کشورها چالشی اساسی در مسیر توسعه می‌باشد؛ به ویژه برای آن دسته از کشورها که قلمرو حاکمیت آن‌ها گروه‌های قومی، فرهنگی، مذهبی و زبانی مختلفی را شامل می‌شود. این نابرابری‌ها، تهدیدی جدی برای حصول توسعه‌ی متوازن مناطق است و دستیابی به امنیت و ثبات اجتماعی و یکپارچگی ملی را دشوار می‌نماید (Shankar and Shah, 2003: 13). هدف، برابری کامل نیست. زیرا برخی از نابرابری‌ها به رشد اقتصادی کمک می‌کنند و برخی هم ارزش بررسی ندارند. اما وقتی نابرابری شدید شود، آثار زیان‌بار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن آشکار می‌شود. زیرا نابرابری‌های شدید، مانع رشد اقتصادی شده و برابری سیاسی و ثبات اجتماعی را تضعیف می‌کند. بدترین وجه نابرابری، نابرابری در دسترسی به فرصت‌ها است که هم علت و هم پیامد سایر اشکال نابرابری است و باعث ناکارآمدی اقتصادی و توسعه‌نیافتگی می‌شود، زیرا بخش زیادی از افراد جامعه قادر به استفاده از توان و قابلیت‌های خود نیستند (Doyle and

1. No one left behind.

7: Stiglitz, 2014). در عین حال، کاهش نابرابری دارای مزایای اقتصادی و اجتماعی مشخص است. زیرا احساس مردم را در مورد عادلانه بودن جامعه تقویت می‌کند، انسجام و امنیت اجتماعی را بهبود می‌بخشد و شهروندان بیشتری را قادر می‌سازد تا از قابلیت‌های خود استفاده کنند. بر این اساس، سیاست‌هایی که در فرایند توسعه، تنها رشد اقتصادی را هدف قرار داده و نابرابری را نادیده می‌گیرند، در نهایت محکوم به شکست هستند (Doyle and Stiglitz, 2014: 7). بنابراین می‌توان گفت که برای استفاده صحیح از منابع و فرصت‌ها و توزیع عادلانه‌ی آن در راستای دستیابی به توسعه‌ی پایدار روستایی، دسترسی برابر و مشارکت فراگیر تمامی گروه‌های قومی، مذهبی و جنسیتی به عنوان عامل اصلی و محوری به شمار می‌رود. بنابراین برابری و مساوات در جامعه نیز تابع نهادهای رسمی و نهادهای غیررسمی می‌باشد.

بهبود زیرساخت‌ها: به نظر اف و میلشن^۱ حوزه فعالیت در توسعه روستایی شامل بخش‌های مدیریت منابع طبیعی، امور زیربنایی روستایی، مدیریت منابع انسانی، توسعه کشاورزی و توسعه فعالیت‌های غیرکشاورزی بوده که با ایجاد ساز و کارهای مناسب زمینه توسعه روستایی فراهم می‌شود (Uphoff and Milton, 1984) به نقل از بدخشان و همکاران، (۱۳۹۷: ۲) و بیانگر ارتباط امور زیربنایی و توسعه روستایی است. در امور زیربنایی، توسعه و نگهداری زیرساخت‌های روستایی، تنها تزریق نهادهای سرمایه‌ای به جامعه‌ای با تولید سنتی نبوده، بلکه هدف آن ایجاد ساز و کارها، نهادها و رویکرد مدیریتی است. زیرساخت‌های روستایی به مجموعه امکانات رفاهی و خدماتی اطلاق می‌شود که نشان دهنده نسبت روستاهای برخوردار از خدمات عمرانی از جمله بهره‌مندی از آب آشامیدنی، برق رسانی، بهسازی، ایجاد و مرمت راه‌های روستایی، مراکز بهداشتی درمانی، دفترهای پست، مخابرات و ICT، صندوق پستی و ... هستند (Darban Astaneh, 2008) به نقل از بدخشان و همکاران، (۱۳۹۷: ۲). بنابراین دسترسی به آب آشامیدنی سالم، افزایش بودجه و بهبود خدمات بهداشتی جهت کاهش مرگ و میر مادران و نوزادان، بهبود حمل و نقل از طریق مشارکت با بخش خصوصی جهت ارائه خدمات عمومی مناسب، خدمات برق رسانی روستایی که موجب ماندگاری کارکنان آموزش و پرورش و بهداشت و درمان در روستاها و حفظ سلامت و افزایش دانش روستائیان، ترویج سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدید پذیر مولفه‌های کلیدی و زیرساختی توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شوند. تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع برای ایجاد زیرساخت‌ها تابع نهادهاست.

فناوری: فناوری را می‌توان کاربرد علم در حل مشکلات تعریف کرد. بنابراین هر زمان که ما از دانش علمی برای دستیابی به برخی اهداف خاص استفاده کنیم، از فناوری استفاده کرده‌ایم. اما چون فناوری در زمینه‌های مختلفی به کار رفته است، تعریف مشخصی ندارد و می‌توان آن را متناسب با هدف و زمینه‌ی به‌کارگیری تعریف نمود (Caroll, 2017: 2).

فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند نقش مهمی در مبارزه با فقر روستایی و شهری و تقویت توسعه پایدار از طریق ایجاد جوامع غنی از اطلاعات و حمایت از معیشت ایفا کند. اگر فناوری اطلاعات و ارتباطات به طور مناسب به کار گرفته شود و نیازهای متفاوت مردم شهری و روستایی را تأمین نماید، می‌تواند به ابزار قدرتمندی برای توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تبدیل شود. فناوری اطلاعات و ارتباطات موجب تغییر اساسی در تمام جنبه‌های زندگی از جمله انتشار دانش، تعامل اجتماعی، شیوه‌های اقتصادی و تجاری، مشارکت سیاسی، فراگیری رسانه‌ها، آموزش، سلامت، اوقات فراغت و سرگرمی می‌شود. از دیگر مزایای به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در مسیر توسعه روستایی، افزایش بهره‌وری و کارایی کشاورزان از طریق افزایش آگاهی آنها در مراقبت از محصولات زراعی و دامپروری، روش استفاده از کودها و نهادهای خوراک، کنترل آفات، تهیه بذر، اصلاح روش‌های آبیاری و اطلاع از نوسانات قیمت نهاده‌ها، اطلاع‌یابی از نیازهای بازار از جمله بازارهای مصرف ملی و بین‌المللی برای محصولات تولیدی روستاها به کشاورزان ارائه دهد. همچنین

موجب افزایش سواد اطلاعاتی جوامع روستایی، توسعه اقتصادی، ایجاد فرصت‌های شغلی، ایجاد دولت الکترونیک و خدمات الکترونیکی، ایجاد ظرفیت و توانمندسازی، ارائه مراقبت‌های بهداشتی و سلامت، آگاهی از تغییر شرایط جوی به منظور برنامه‌ریزی دقیق در تولید و برداشت محصول و غیره می‌شود (Kumar and Singh, 2012: 2-5). رشد همه جانبه در مصادیق توسعه پایدار (یعنی رشد همزمان اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) علاوه بر اینکه به طور اساسی به بهبود و توسعه فناوری‌های موجود مرتبط است، به تکامل توأم فناوری، نهادها و فرهنگ (به عنوان یک اجبار در دستیابی به توسعه پایدار) وابسته است. این موضوع نشان می‌دهد که نگاه به توسعه فناوری باید وسیع بوده و همه مصادیق فناوری را مورد توجه قرار دهد. نکته حائز اهمیت این است که، توجه به فناوری‌های نرم مانند نوآوری‌های نهادی و نظام‌های مدیریتی و مسائل فرهنگی و اجتماعی، بیشتر از توجه صرف به توسعه فناوری و توسعه مصادیق سخت آن، می‌تواند سرعت دستیابی به توسعه پایدار را بهبود بخشد (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۵).

ترویج اشتغال غیر کشاورزی: اشتغال غیر کشاورزی اصطلاح ترکیبی و چند بعدی و در برگیرنده طیف وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی است که چگونگی و ترکیب آن از کشوری به کشور دیگر تغییر می‌کند. ولی به طور کلی در برگیرنده فعالیت‌هایی نظیر صنعت، صنایع دستی، حمل و نقل، ارتباطات، تجارت و... می‌باشد. این عامل در بیشتر کشورها رقمی معادل ۳۰ تا ۵۰ درصد درآمد آن‌ها را تشکیل می‌دهد و گامی برای تولید ثروت محاسبه می‌شود. توسعه شرکت‌های خانگی برای درآمد عادلانه و ترویج و اشتغال منجر به افزایش رشد و تنوع اقتصادی در روستاها و توانمندسازی منابع انسانی از طریق بهبود مهارت شده است. ترویج گردشگری با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های روستایی و ایجاد سیستم حفاظت اجتماعی جهت حمایت از کارگران. در حال حاضر با توجه به افزایش سریع و گسترده جمعیت در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه از یک سو و ناتوانی بخش کشاورزی در اشتغال‌زایی کافی برای نیروی کار حجیم و در حال افزایش روستایی از سوی دیگر، توسعه اشتغال غیر کشاورزی، به ویژه برای گروه‌های کم یا فاقد زمین که برای تأمین نیازهای زندگی درآمد کافی ندارند از اهمیت بسزایی برخوردار است (شهابی، ۱۳۸۲: ۲۱). از این رو، کارآفرینی بخش غیر کشاورزی را می‌توان راهبرد مناسبی برای ارتقاء اشتغال و درآمد و ثروت آفرینی روستایی دانست (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵)؛ اشتغال در فعالیت‌های غیر کشاورزی با ایجاد فرصت‌های شغلی، سرمایه‌گذاری، بهبود کیفیت تولید، آموزش و تغییر کاربری اراضی همراه است. تحول و تغییرات در ساختارهای مذکور تابع نهادهای رسمی و غیررسمی می‌باشد. بنابراین چارچوب نظری مناسب و سازگار با شناسایی این تحولات، چارچوب نظری اقتصادی نهادی است.

مدیریت پایدار و استفاده از منابع طبیعی: یکی از محدودیت‌های اساسی بر سر راه توسعه پایدار روستایی، محدودیت‌های منابع طبیعی و زیست محیطی می‌باشد. این محدودیت‌ها شامل قطع درختان و استفاده نادرست از زمین، فرسایش خاک، مدیریت منابع آبی و تخریب محیط زیست می‌باشد. بر همین اساس، در روند توسعه پایدار، حفظ و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی تجدید شونده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حفاظت و بهره‌برداری پایدار از این منابع نیز نیازمند ارتقاء دانش، بینش، مهارت و سطح فکری و فرهنگی روستائیان و بهره‌برداران است. سیاست‌ها و اقداماتی که به منظور مدیریت پایدار و استفاده از منابع طبیعی انجام می‌شوند باید در جهت بهبود زمین‌های تخریب شده، بیابان‌زدایی و کاهش و کنترل مهاجرت روستایی به شهرها باشد. بهترین شیوه جهت مدیریت منابع طبیعی، اشتراک گذاری دانش سنتی و بومی در میان جوامع محلی است (United Nations, 2009). یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مدیریت پایدار و استفاده منابع طبیعی در جامعه کیفیت نهادها می‌باشد. کیفیت نهادی از مجرای بهره‌برداری بهینه از منابع به حفظ و پایداری منابع طبیعی در کیفیت نهادی کشورها در نحوه تأثیرگذاری (مثبت و یا منفی) و فور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی نقش بسزایی دارد، به طوری که کشورهایی که دارای کیفیت نهادی ضعیف هستند و فور منابع طبیعی به خوبی مدیریت نشده و استفاده صحیح از

درآمدهای ناشی از صدور منابع طبیعی، صورت نمی‌گیرد (بهبودی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۱). به همین جهت کیفیت نهادی پایین موجب سوء مدیریت منابع طبیعی و ظهور پدیده نفرین منابع و بیماری هلندی می‌شود. بنابراین شناسایی الگویی کارآمد مدیریت پایدار منابع، نیازمند کاربست چارچوب نظری اقتصاد نهادی می‌باشد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش

۴- تاریخچه مطالعات پیش نیازهای توسعه

کیوی و کامپنهود (کیوی و کامپنهود، ۱۹۹۵: ۲۵۳) در کتاب خود با عنوان "روش تحقیق در علوم اجتماعی" معتقدند در فرایند پژوهش، به دلیل محدودیت‌های مختلف زمانی و بودجه‌ای، بررسی همه عوامل مؤثر بر موضوع تحقیق امکان‌پذیر نیست. بنابراین، بهتر است بر مطالعه برخی از عوامل، و نه همه آن‌ها، متمرکز شد. از این رو در هر پژوهش و برای اجتناب از آشفتگی در الگوی تحلیلی، باید چارچوب نظری مناسبی انتخاب شود. چارچوب نظری انتخابی، باید متناسب و مرتبط با موضوع پژوهش بوده و بیشترین قدرت را در تبیین و توضیح مسأله مورد مطالعه داشته باشد. نجفی (۱۳۹۲: ۲۳) در رساله‌ی خود اذعان دارد در هنگام روبه‌رو شدن با هر مشکل و تلاش برای شناسایی و حل آن، هر چارچوب نظری، با توجه به مبانی فلسفی و دیدگاه‌های ارزشی و بنیادی خود، بر متغیرها و روش تحلیلی خاصی متمرکز شده و جمع‌آوری داده‌های مربوط به آن‌ها را اقتضا می‌کند. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، روابط علی یا همبستگی بین آن‌ها شناسایی می‌شود که براساس آن روابط علی یا همبستگی، پیش‌بینی و تجویز صورت می‌گیرد. آزمون تجربی، معیار سنجش قدرت تبیین هر چارچوب نظری برای تجزیه و تحلیل مشکل مورد نظر می‌باشد. هر چارچوب نظری شامل چهار بخش است: ۱. مهم‌ترین متغیرهای نقش‌آفرین در مشکل مورد مطالعه، ۲. علت‌ها و دلایل اصلی تأثیرگذار بر موضوع پژوهش، ۳. همبستگی یا رابطه علی تأثیرگذار بر موضوع تحقیق و ۴. مدل مفهومی که قادر به توضیح رابطه بین این عوامل است. فتح‌اللهی و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی، به بررسی چارچوب نظری مناسب برای درک و تحلیل مسائل اقتصادی در اقتصاد دانش‌بنیان با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی پرداختند. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش به شرح زیر است: (۱) اقتصاد مبتنی بر دانش با چهار چالش عمده مواجه است: امواج جدید افزایش عدم اطمینان. اهمیت روز افزون انسان و همچنین عوامل مؤثر بر انگیزش و فرآیند انتخاب او مانند سرمایه اجتماعی. شکست بازار به دلیل عوامل مورد توافق، مانند افزایش بازده به مقیاس و افزایش شدید نابرابری و اهمیت مضاعف تغییرات اجتماعی ناشی از اصلاحات نهادی. (۲) چالش‌های فوق همه ماهیت نهادی دارند. از این رو، دکترینی که فاقد توجه کافی به مسائل نهادی است، قادر به تحلیل و درک کامل اقتصاد دانش بنیان نخواهد بود. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که مناسب‌ترین چارچوب نظری برای تحلیل موضوعات مرتبط با اقتصاد دانش بنیان، چارچوبی است که برای تحلیل و بررسی دقیق نهادها و روابط علی بین آنها واجد شرایط و کارآمد باشد. خاکی (۱۳۹۲: ۲۲) در کتاب خود با عنوان "روش تحقیق: با رویکرد پایان نامه نویسی" بیان دارد چارچوب نظری یک دیدگاه اولیه است که مجموعه‌ای از اطلاعات بنیادی درباره موضوع مورد تحقیق را به پژوهشگر ارائه می‌کند. در علوم اجتماعی، چارچوب‌های نظری همان مکتب‌های گوناگون فکری هستند. به عبارت دیگر، چارچوب نظری، در واقع چشم‌انداز یا دریچه‌ای است که فرد پژوهشگر از منظر آن به پدیده و مسأله مورد بررسی نگاه می‌کند. با بررسی مطالعات پیشین، مشخص می‌شود تاکنون در زمینه انتخاب چارچوب نظری متناسب با مسائل مختلف و مورد نظر پژوهشگران مطالعات گسترده‌ای صورت نگرفته است. همچنین در ارتباط با موضوع پیش‌رو، پژوهشی انجام نشده است؛ از این رو، نوآوری این پژوهش بر این مبناست که به انتخاب چارچوب نظری متناسب با پیش‌نیازهای توسعه پایدار روستایی می‌پردازد.

۵- بحث و فرجام

شناسایی و شناخت علمی هر پدیده طبیعی یا اجتماعی نیازمند کاربست چارچوب نظری مناسب است. برای انجام هر پژوهش، رویکردهای تحلیلی مختلفی را می‌توان به کار گرفت. نکته مهم در هر مقاله پژوهشی، انتخاب چارچوب نظری مناسبی است، که بیشترین قدرت تبیین در باره آن موضوع خاص را داشته باشد.

این پژوهش به دنبال یافتن یک الگوی نظری قدرتمند و کارآمد به منظور شناسایی روابط علی حاکم بین عوامل مؤثر بر توسعه پایدار روستایی است. با توجه به اینکه این پژوهش بر حوزه توسعه پایدار روستایی متمرکز است، بنابراین ابتدا پیش‌نیازها و ویژگی‌های اساسی توسعه پایدار روستایی مورد بحث قرار گرفت.

یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای تحقق توسعه پایدار روستایی آموزش است. آموزش به عنوان مهم‌ترین نهاد پیش‌نیازهای توسعه، از طریق پرورش و تربیت نیروی ماهر و متخصص موجب توسعه انسانی می‌گردد. توسعه انسانی نیز به با افزایش توانایی‌ها و شکل‌گیری قابلیت‌های انسانی منجر به افزایش درآمد، بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌شود. همچنین توسعه انسانی دسترسی گسترده به امکانات و فرصت‌های برابر اجتماعی فراهم می‌سازد. دسترسی عادلانه به امکانات و فرصت‌ها موجب تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود که موجب افزایش مشارکت و اعتماد و تقویت ارزش‌ها و باورها و همبستگی اجتماعی، کاهش هزینه‌های مبادله و نااطمینانی را فراهم می‌سازد. در نتیجه نوآوری و کارآفرینی ایجاد می‌شود.

وجود رژیم نهادی از طریق حکمرانی خوب و حمایت از حقوق مالکیت منجر به حاکمیت قانون، کنترل فساد و افزایش بهره‌وری و رشد می‌شود. حفاظت از محیط زیست به بهره‌برداری بهینه منابع، کاهش آلودگی و همچنین از تخریب بی‌رویه منابع طبیعی، فقر و الگوهای نامعقول تولید و مصرف جلوگیری می‌کند که به مدیریت بهینه منابع طبیعی می‌انجامد.

تقویت بنیان‌های کشاورزی نیز از طریق فراهم ساختن زیرساخت‌های فیزیکی و نهادی با بهبود خاک و حفاظت از منابع آب، سیاست‌های اصلاحات ارضی، بهبود دسترسی به بازار سرمایه، کاهش هزینه‌های حمل و نقل، استاندارد سازی در مشارکت‌های خصوصی و کار روستایی، موجب توسعه روستایی می‌گردد.

ایجاد فرصت‌های برابر و یکسان باعث بهره‌مندی از فرصت‌های برابر، ایجاد عدالت، افزایش کارایی اقتصادی و افزایش توان و قابلیت‌ها می‌شود که بسترساز انسجام و امنیت اجتماعی است.

بهبود زیرساخت‌ها یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای توسعه روستایی است که با ارائه خدمات عمومی مناسب و ترویج سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی موجب بهبود استاندارد زندگی روستائیان و رشد و تنوع اقتصادی می‌گردد.

فناوری اطلاعات و ارتباطات از طریق سواد رسانه‌ای، منجر به افزایش آگاهی کشاورزان، ایجاد فرصت‌های شغلی، ایجاد مراقبت‌های بهداشتی و افزایش توانمندی روستائیان با بهره‌گیری از روش‌های نوین کشاورزی و شغلی می‌شود و موجب بهبود بهره‌وری و کارآفرینی می‌شود.

با مرور مطالب فوق، در می‌یابیم که عوامل تاثیرگذار بر توسعه روستایی همگی نهادی هستند یا تحت تاثیر نهادها می‌باشند و از مجرای نهادها بر توسعه روستایی اثرگذار هستند. در واقع ماهیت اغلب این عوامل بر نهادها استوار است، در نتیجه شناسایی و تجزیه و تحلیل این عوامل، نیازمند استفاده از یک چارچوب نظری است که به طور روشمند قابلیت تحلیل نهادها را داشته باشد. بهترین چارچوب نظری که بتواند به صورت روشمند به تحلیل روابط علی نهادی و بین نهادی عوامل مؤثر بر توسعه پایدار روستایی بپردازد، اقتصاد نهادی می‌باشد.

۶- منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: نشر نی.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، چاپ ششم. نشر اطلاعات.
- بدخشان، زینب، مهربانی بشرآبادی، حسین، و میرزایی خلیل آبادی، حمید رضا. (۱۳۹۷). بررسی اثر توسعه زیرساخت‌ها بر توسعه روستایی ایران. *اقتصاد کشاورزی*، ۱۲(۴)، ۱-۱۴. <https://doi.org/10.22034/iaes.2019.61772.1441>
- بریاچی، فرزاد، حاتمی‌نژاد، حسین، و اقبالی، ناصر. (۱۳۹۸). تحلیلی بر کیفیت زندگی شهری و تفاوت‌های فضایی آن در (مناطق ۱ و ۱۹ کلان‌شهر تهران). *جغرافیا*، ۹(۲)، ۴۵۷-۴۷. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22286462.1398.9.2.29.5>
- بساکی، طیب، مقدسی، جعفر، نجات، محمد علی، بزغانی فراهانی مهدی، و نجمی، مجتبی (۱۳۹۵). بررسی نقش آموزش‌های انبوهی در توسعه روستایی و فعالیت‌های کشاورزان استان مرکزی، آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، ۴(۳)، ۶۹-۸۰. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23223057.1395.4.3.7.3>
- بهبودی، داود، اصغرپور، حسین، و محمدلو، نوید (۱۳۹۰). مقایسه‌ی نقش کیفیت نهادی بر بلای منابع طبیعی در بین کشورهای صادر کننده نفت خام، پژوهشنامه اقتصاد کلان، ۶(۱۱)، ۶۱. https://jes.journals.umz.ac.ir/article_22.html
- تودارو، مایکل. (۱۹۷۷). توسعه‌ی اقتصادی در جهان سوم، مترجم: غلامعلی فرجادی (۱۳۹۱)، چاپ هفدهم، تهران: بازتاب: موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- جمعه پور، محمود (۱۳۸۲). عوامل اصلی در فرآیند توسعه پایدار: مردم، منابع، فضاها و نقش مشارکت مردمی در آن. علوم اجتماعی، ۱۰(۲۲)، ۱۰۳-۱۳۰. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17351162.1382.10.22.4.9>
- حسن زاده، رمضان (۱۳۸۲). نقش و کارکردهای نهادهای آموزشی در انتقال ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی، نوآوری‌های آموزشی، ۲(۴)، ۴۹. https://noavaryedu.oerp.ir/article_78728.html
- خاکی، غلامرضا (۱۳۹۷). روش تحقیق: با رویکرد پایان نامه نویسی. چاپ هفتم، تهران: نشر فوژان.
- دادگر، یداله (۱۳۹۵). محور اساسی در نظام‌های اقتصادی. تهران: نشر نی.
- دهنوی، دهقان و کهزادی. نوروز. (۱۳۹۴). مبانی علم اقتصاد (اقتصاد خرد و کلان، رشد و توسعه، اقتصاد بین الملل). تهران: دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری.
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، محمودی، سمیرا، غفاری، غلامرضا، و پورطاهری، مهدی. (۱۳۹۴). تبیین الگوی فضایی سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار روستایی مورد: روستاهای استان خراسان رضوی، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۴(۱۱)، ۱۰۷-۸۷. <http://dx.doi.org/10.18869/acadpub.ser.4.11.87>
- سالم، علی اصغر، و عرب یار محمدی، جواد (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر فقر چندبعدی، رویکرد مدل‌های چند سطحی پنل. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. ۲۶ (۸۷)، ۷-۴۶. <http://qjerp.ir/article-1-2134-fa.html>
- سجاسی قیداری، حمدالله، شایان، حمید، و نوربخش رزمی، زهرا (۱۳۹۴). تحلیل نقش کارآفرینی فعالیت‌های غیرکشاورزی در ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان مورد: روستاهای بخش شاندیز شهرستان بینالود. اقتصاد فضا و توسعه روستایی. ۴ (۱۲): ۷۶-۵۵. <http://dx.doi.org/10.18869/acadpub.ser.4.12.55>
- سرخ‌دهی، فاطمه، راغفر، حسین، و مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۶). امنیت حقوق مالکیت و توسعه نیافتگی در ایران. مطالعات راهبردی، ۲۰(۲)، ۶۴-۳۳. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17350727.1396.20.76.2.6>
- شهبایی، سیامک (۱۳۸۲). شناسایی توانمندی‌های اشتغال در بخش غیرکشاورزی روستاها (مطالعه موردی شهرستان شهرضا)، روستا و توسعه، ۲۱ (۴)، ۲۱.
- فاضلی، محمد، و جعفر صالحی، سحر (۱۳۹۲). شکاف نگرش، دانش و رفتار زیست محیطی گردشگران. مطالعات مدیریت گردشگران، ۸ (۲۲)، ۱۳۷-۱۳۶. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23223294.1392.8.22.6.5>
- فیض آبادی فراهانی، فرزانه (۱۳۹۲). بررسی نقش بهره‌وری کل عوامل در توسعه پایدار (با تکیه بر اقتصاد ایران). پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد ارشد، دانشگاه تهران.
- قاسمی سیانی، محمد و کلانتری خلیل آباد، حسین. (۱۳۹۰). مدیریت مواد زاید محیط زیست روستا و نقش آن در توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت‌های مردمی. اطلاعات جغرافیایی «سپهر»، ۲۰(۸)، ۷۸-۷۲. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25883860.1390.20.80.12.5>

- کوهستانی، حسین، و قاسمی، نادره. (۱۳۹۳). نقش حکمرانی خوب در مدیریت توسعه روستایی پایدار، همایش ملی توسعه پایدار روستایی در اصفهان، ۱۴۰۴، <https://civilica.com/doc/319554>.
- کیوی، ریموند و کامپنهود، لوکوان. (۱۳۸۴). روش تحقیق در علوم اجتماعی. مترجم: عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: انتشارات توتیا.
- متوسلی، محمود، و نجفی، سیدمحمباقر (۱۳۸۸). ابزارهای تحلیل و تبیین مسائل اقتصادی از دیدگاه داگلاس نورث، *اقتصاد و جامعه*، ۶ (۱۹)، ۸۱. <https://www.sid.ir/paper/506424/fa>
- متوسلی، محمود، مؤمنی، فرشاد، و فتح‌اللهی، جمال (۱۳۹۱). درآمدی بر تبیین نهادی علل پایین بودن بهره‌وری در اقتصاد ایران، *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۸ (۲)، ۵۳-۷۸. <https://doi.org/2010.22096/esp.2013.26162>
- مداح، مجید، و عبداللهی، مریم. (۱۳۹۱). اثر کیفیت نهادها بر آلودگی محیط زیست در چارچوب منحنی کوزنتس با استفاده از الگوهای پانل دیتا ایستا و پویا (مطالعه موردی: کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی). *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران*، ۲ (۵)، ۱۷۱-۱۸۶. https://jiece.atu.ac.ir/article_778.html
- موسایی، میثم، و احمدزاده، مریم. (۱۳۸۸). آموزش توسعه‌ای و توسعه پایدار. راهبرد توسعه، ۲ (۵)، ۲۰۹. <https://www.sid.ir/paper/477286/fa>
- مؤمنی فرشاد، عطارپور، محمدرضا، صالح زاده، رضا، و محمد مهدی، خزایی (۱۳۹۵). ترتیبات نهادی و توسعه همه‌جانبه: نقش نوآوری‌های نهادی در دستیابی به توسعه فناوری و توسعه پایدار. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*. ۱۶ (۳): ۱۰۷-۱۳۰. <https://doi.org/10.17356/768.1395.16.3.10.7>
- نجفی، سید محمد باقر (۱۳۹۲). پیش‌نیازهای نهادی تحقق اقتصاد دانش‌محور در ایران: مطالعه موردی آموزش پایه. استاد راهنما فرشاد مؤمنی. رساله‌ی دکتری، دانشگاه مفید.
- نظم فر، حسین (۱۳۹۶). تحلیل سطوح توسعه روستایی و میزان برخورداری دهستان‌های استان آذربایجان غربی. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*. ۱۶ (۱). <https://www.magiran.com/volume/118473>
- نورث، داگلاس سی. (۱۳۸۵). ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی مترجم: غلامرضا آزاد (ارمکی)، چاپ اول. تهران: نشر نی.
- نورث، داگلاس سی. (۱۳۸۵). نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی مترجم: محمدرضا معینی، چاپ دوم. تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.
- نورث، داگلاس سی. (۱۳۹۷). نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی مترجم: محمدرضا معینی، چاپ سوم. تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات، ۱۳۹۷.
- نورث، داگلاس سی. (۱۳۷۷). نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی مترجم: محمدرضا معینی، چاپ سوم. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، چاپ اول.
- Alkire, S., Roche, J. M., Ballon, P., Foster, J., Santos, M. E., and Seth, S. (2015). *Multidimensional poverty measurement and analysis*. Oxford University Press, USA.
- Atchoarena, D., and Gasperini, L. (2003). *Education for Rural Development towards New Policy Responses*. International Institute for Educational Planning (IIEP) UNESCO. 7-9 rue Eugene-Delacroix, 75116 Paris, France.
- Carroll, L. S. L. (2017). A comprehensive definition of technology from an ethological perspective. *Social Sciences*, 6(4), 126. <https://doi.org/10.3390/socsci6040126>
- Chen, D. H. C., and Dahlman, C. J. (2004). *Knowledge and development: a cross-section approach*. World Bank Publications.
- Choi, H. C., and Sirakaya, E. (2006). Sustainability indicators for managing community tourism. *Tourism management*, 27(6), 1274-1289. <https://doi.org/10.1016/j.tourman.2005.05.018>
- Commons, J. R. (1931). Institutional economics. *The American economic review*, 648-657. <https://www.aeaweb.org/journals/aer>
- Debnath, S. C. (2011). Key Determinants of Economic Incentives and Institutional Regimes to Promote Knowledge-based Economy in East Asia, *Ritsumeikan International Affairs*, 183-229. <https://core.ac.uk/download/pdf/60536618.pdf>



- Doyle, M. and Stiglitz, J. (2014). Eliminating Extreme Inequality: A Sustainable Development Goal, 2015–2030. *Ethics and International Affairs*, 28(1), 5-13. <https://doi.org/10.1017/S0892679414000021>
- Dragulanescu, I. V., and Drutu, M. (2012). “Rural tourism for local economic development”. *International journal of academic research in accounting, finance and management sciences*, 2(1), 196-203. <https://ideas.repec.org/a/hur/ijaraf/v2y2012i1specialp196-203.html>
- Ekbrand, H., and Halleröd, B. (2018). The more gender equity, the less child poverty? A multilevel analysis of malnutrition and health deprivation in 49 low-and middle-income countries. *WorldDevelopment*, (108),221-230. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2018.01.028>
- Escap, U. (2009). *What is good governance?*
- Fathollahi, J., Momeni, F., Elahi, N., and Najafi, S. M.S. (2015). Appropriate theoretical framework for understanding and analyzing economic issues in knowledge-based economy. *Journal of the Knowledge Economy*. 8(3), 957-976. <https://doi.org/10.1007/s13132-015-0307-y>
- Haq, M. (1995). *Reflections on human development*. New York: Oxford University Press.
- Holland, J., Burian, M., and Dixey, L. (2003). *Tourism in poor rural areas: Diversifying the product and expanding the benefits in rural Uganda and the Czech Republic*. 7-15. <https://lib.icimod.org/record/11291>
- Iordan, M., Grigorescu, A., and Chilian, M. N. (2012). Competitiveness-productivity, sustainable development. *Valahian Journal of Economic Studies*, 3(4), 103-118. <https://ideas.repec.org/s/vrs/vaecst.html>
- Jaja, J. M. (2014). Good governance in rural areas: challenges for social security. *Social Science*, 71(1), 25153-25157. <https://www.researchgate.net/profile/Jones-Jaja/publication/269099883>
- Keping, Y. (2018). Governance and good governance: A new framework for political analysis. *Fudan Journal of the Humanities and Social Sciences*, 11(1), 1-8. <https://doi.org/10.1007/s40647-017-0197-4>
- Kumar, A., and Singh, K. M. (2012). *Role of ICTs in rural development with reference to changing climatic conditions*. Ict For Agricultural Development Under Changing Climate, Krishna M. Singh, MS Meena, eds., Narendra Publishing House. <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2027782>
- Mantzavinos, C., Douglas, C. and Shariq, S. (2004). Learning, Institutions and Economic Performance, *Perspectives on Politics*. 2(1) 15-29. <https://doi.org/10.1017/S1537592704000635>
- Murphy, K. (2012). The Social Pillar of Sustainable Development: A Literature Review and Framework for Policy Analysis. *Sustainability: Science, Practice and Policy* 8(1). <https://doi.org/10.1080/15487733.2012.11908081>
- Nasihuddin, A. A., Pamuji, K., Rosyadi, S. and Ahmad, A. A. (2020). The Role of Social Capital in Promoting, *Sustainable Rural Development Area*. <https://doi.org/10.1088/1755-1315/448/1/012067>
- North, D C. (1996). *Economic Performance through Time: The Limits to Knowledge*. Retrieved from <https://ideas.repec.org/p/wpa/wuwpeh/9612004.html> .
- North, D. (1994). Economic performance through time. *The American Economic Review*, 84(3). <https://www.jstor.org/stable/2118057>
- Oulton, N. (2004). *A statistical framework for the analysis of productivity and sustainable development*. Centre for Economic Performance, London School of Economics and Political Science. <http://eprints.lse.ac.uk/id/eprint/19963>



- Putnam, R.D. (1993). *Making Democracy Work: civic traditions in modern Italy* Princeton University Press, Princeton.
- Sakurai, S. (2006). Development of a 'locally produced-locally consumed' movement based on the farmers' market and its impact on rural development. *Agricultural Marketing Journal of Japan* (Japan).
- Sembene, D. (2011). *Institutions and poverty*. American University. Faculty of the College of Arts and Sciences of American University, the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy.
- Sen, A. (1999). *Beyond the Crisis: Development Strategies in Asia Singapore*: Institute of Southeast Asian Studies Press. <https://bookshop.iseas.edu.sg/publication/1302>
- Shankar, R. and Shah, A. (2003). Bridging the Economic Divide within Countries: A Scorecard on the Performance of Regional Policies in Reducing Regional Income Disparities, *World Development*, 31(8), 1421-1441. [https://doi.org/10.1016/S0305-750X\(03\)00098-6](https://doi.org/10.1016/S0305-750X(03)00098-6)
- Sokołowicz, M.E. (2015). Institutional perspective of urban and regional economics—selected areas of empirical application. *Journal of Economics and Management*, (19), 45-62. <https://yadda.icm.edu.pl/yadda/element/bwmeta1.element.ekon-element-000171368579>
- Thompson, M. (2018). Social capital, innovation and economic growth. *Journal of Behavioral and Experimental Economics (formerly The Journal of Socio-Economics)*, Elsevier, vol. 73(C), 46-52. <https://doi.org/10.1016/j.socec.2018.01.005>
- UNDP. (1990). *Human Development Report*. New York: Oxford University Press.
- UNDP. (1994). *Human Development Report*. New York: Oxford University Press.
- UNDP. (2014). *Chief Technical Adviser in Rural Development*
- UNIRSD. (2016). *Transformations to Equity and Sus trainability: UNIRSD S strategy 2016-2020*. Available on: <https://www.unirsd.org> .
- United Nation. (1996). Indicators of Sustainable development: framework and methodologies.
- United Nation. (2009). *policy options and actions for expediting progress in implementation: rural development*. Report of the Secretary- General.
- Uphoff, N. and Milton, E. (1984). *Local Organization Intermediaries in Rural Development*. Cornell University Press, London. <https://cir.nii.ac.jp/crid/1130000796374300544>
- WCED (World Commission on Environment and Development) (1987). *Our Common Future*. Oxford: Oxford University Press. Oxford. New York.
- Williamson, O. (1994). Institutions and economic organization: the governance perspective. *Proceedings of the World Bank Annual Conference on Development Economics*, Washington, D.C., World Bank.
- World Bank. (2007). Building knowledge economies: *Advanced strategies for development*. The World Bank.
- World Health Organization. (2016). *World health statistics 2016: monitoring health for the SDGs sustainable development goals*. World Health Organization.
- Worldbank. (2021). *Rural population (% of total population)*. <https://data.worldbank.org/indicator/SP.RUR.TOTL.ZS>
- Worldbank. (1975). *Rural Development, Public Disclosure Authorized*. Report No. 10272, 3-4.

